

# نقش فرهنگی «بیت» در شکل‌گیری فعالیت‌های توسعه‌ای

## مبنتی بر اجتماع محلی

### مطالعه موردی خوزستان\*

مصطفی ازکیا: استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران\*

سید احمد فیروزآبادی: استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۸۶/۱۱/۲۶، تاریخ تأیید ۸۷/۱۰/۲۷)

#### چکیده

مقاله پس از مروری مختصر بر تاریخچه شکل‌گیری مطالعات توسعه محلی به دیدگاه‌های مربوط به انواع مشارکت‌های جمعی در زمینه‌های مختلف کشاورزی، دامداری، آب و سایر ابعاد اقتصادی و اجتماعی در روستاها و عشایر ایران پرداخته است. سپس نقش این‌گونه همیاری‌ها در توسعه مبنتی بر اجتماع محلی، به عنوان یک دیدگاه نظری غالب در مطالعات توسعه بررسی شده است. تاریخچه و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی عشایر عرب در حوزه مطالعاتی قسمت بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد: در ادامه عمده‌ترین عناصر فرهنگی مؤثر بر انواع همیاری‌ها و مشارکت‌های محلی، به منظور شناخت پتانسیل‌ها و استعدادها بالقوه منطقه، در بستر تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته است و سیر این نوع تعاملات و همیاری‌ها در زمان حال مطالعه و شعاع و دامنه اعتماد به عنوان بعد ذهنی و شناختی و

\* این پژوهش براساس تحلیل نظری داده‌های مربوط به بررسی نظام‌های بهره‌برداری در حوزه آبریز کرخه صورت گرفته است. پژوهش اولیه در ۸ مجلد با حمایت مالی وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام‌های بهره‌برداری، در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ توسط دکتر مصطفی ازکیا و همکاران صورت گرفته است.

mazkia@azkia.ir

\* نویسنده مسئول ۰۹۱۲۱۸۵۳۳۰۸

مشارکت به عنوان بعد عینی، در سطوح مختلف ساختار ایلی و عشایری بررسی شده است و کارآمدترین نوع و سطح از مشارکت و توان بالقوه آن، که هم‌اکنون نیز موجود است؛ براساس داده‌های پژوهش مشخص گردیده است. عمده‌ترین دستاورد این پژوهش این است که در سطح واحد اجتماعی و عشایری، «بیت» در حال حاضر کارکردی مؤثر بر انواع تشکل‌های اقتصادی در منطقه برعهده دارد و پتانسیل فرهنگی بیت، علاوه بر به‌کارگیری در زمینه مدل توسعه مبتنی بر اجتماع محلی، باید در جهت افزایش دامنه شعاع فرایینی، نیز مورد بررسی و توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مشارکت جمعی، بیت، قبیله، توسعه محلی، بنه، پاگاو، طاق. حراشه.

### مقدمه

اجتماع محلی و توسعه اجتماع محلی علی‌رغم سابقه نسبتاً طولانی در ادبیات علمی و اجرایی پس از یک دوره وقفه در ادبیات توسعه در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی مجدداً در دهه ۹۰ و سال‌های اخیر تبدیل به مباحث اساسی در توسعه گردیده است و پژوهشگران و مجریان هر کدام متناسب با نوع فعالیتی که انجام می‌دهند در چارچوب توسعه اجتماع محلی، مفاهیم و دیدگاه‌های خود را ارائه کرده و یا اقدامات خود را انجام داده‌اند. در زمینه توسعه اجتماع محلی دو رویکرد اصلی وجود دارد. رویکرد دارایی مینا<sup>۱</sup> و رویکرد نیاز مینا<sup>۲</sup>، در رویکرد دارایی مینا، بیشتر بر سه محور اصلی تأکید می‌گردد. اول، ظرفیت‌سازی و فرایندگرایی از اهمیت ویژه برخوردار است. دوم، بسیج همه دارایی‌های اجتماعی و کالبدی اجتماع محلی و یا همان جامع‌نگری و سوم، مجموعه دارایی‌های اجتماعی و کالبدی، واجد اهمیت ابزاری است یعنی مجموعه روابط اجتماعی و کالبدی به عنوان ابزاری برای سایر اهداف به کار می‌رود. برخلاف این رویکرد، در رویکرد نیاز مینا، نوعی نگاه پیامدگرایانه وجود دارد و نشانه‌های فقر را به عنوان نارسایی‌هایی تلقی می‌کنند که باید آن‌ها را به‌طور جدای از هم در نظر گرفت و از این حیث مقوله‌ای می‌باشد و در این نگاه تک تک اهداف به لحاظ اهمیت به خودی خود یک هدف به شمار می‌رود. در حالی که رویکرد دارایی مینا همان‌گونه که اشاره شد ظرفیت اجتماع محلی یعنی دارایی‌های مالی، کالبدی و اجتماعی را در نظر می‌گیرد و مباحث مربوط به دارایی‌های اجتماع محلی نوعاً سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی را شامل می‌گردد (سن، ۱۹۸۹، گلیکمن و سرون، ۱۹۹۸).

به همان ترتیب که اجتماع محلی دارای تعاریف و معانی گوناگونی است توسعه محله‌ای (اجتماع محلی) نیز دارای تعاریف و مفاهیم متعددی می‌باشد. مفاهیم موجود

1. asset based

2. need based

در مورد اجتماع محلی را می‌توان در غالب چهار دسته اصلی تقسیم نمود که عبارتند از: الف: مفهوم اجتماعی ب: مفهوم حقوقی و اقتصادی ج: مفهوم جغرافیایی و مکانی و د: مفهوم اکولوژیکی.

مفهوم اجتماعی، اجتماع محلی در واقع دسته‌ای از مردم را شامل می‌شود که دارای یک سازمان یا منافع مشترک بوده و یا در مکان مشترکی و تحت قانون مشترکی زندگی می‌کنند. این شاید قدیمی‌ترین مفهوم اجتماع محلی است و تا حدود زیادی ریشه در اندیشه‌های جامعه‌شناسی دارد که در این پژوهش نیز منظور از بیت، این نوع اجتماع محلی است. مفهوم حقوقی و اقتصادی اجتماع محلی، بر عنصر منافع و مالکیت مشترک در تعریف اجتماع محلی تأکید دارد. جوامع دارای منافع مشترک و یا مبتنی بر منافع مشترک، اجتماعاتی هستند که شکل‌شان بر مبنای داشتن یک چیز مشترک است و لزوماً بر مبنای یک مکان و فضای مشترک نیست. تعداد بسیار زیادی از این جوامع وجود دارند. اتحادیه‌ها و انجمن‌ها علمی، کارگری، صنفی و غیره نمونه‌هایی از این نوع اجتماعات هستند. مفهوم جغرافیایی و مکانی، اجتماع محلی شامل آن دسته از تعاریف می‌شوند که بر عنصر مکان در تعریف اجتماع محلی تأکید دارند. براساس این تعاریف، اجتماع محلی و یا محله شامل دسته‌ای از افراد می‌شود که در یک مکان محدود و مشخص جغرافیایی زندگی می‌کنند. یک اجتماع در این تعریف می‌تواند یک واحد همسایگی، یک شهرک، یک شهر و یا حتی یک منطقه شهری باشد. مفهوم اکولوژیکی اجتماع محله‌ای، این اجتماع را به صورت تجمعی از ارگانیسم‌ها تعریف می‌کند که با یکدیگر دارای روابط متقابل هستند. به این ترتیب این اصطلاح در مورد اغلب موجودات و از جمله انسان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای اجتماعات انسانی، این واژه به گروهی از مردم اطلاق می‌شود. این گروه‌های مردمی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱) اجتماعات بر مبنای منافع و ارتباطات مشترک ۲) اجتماعات بر مبنای جغرافیا و یا اجتماعات مبتنی بر مکان. این مفهوم نیز چون ابتدا توسط پژوهشگران علوم طبیعی برای اجتماعات حیوانی به کار گرفته شد از سابقه نسبتاً طولانی برخوردار است. بر این اساس انسان‌ها به همراه کلیه نهادها و مؤسسات، جزئی از محیط‌زیست هستند (Hobbs, 1995). صرف‌نظر از هر یک از اجتماعات محلی فوق‌الذکر، توسعه اجتماع محلی، عمدتاً به معنای کار کردن با جوامع به منظور کمک به آنها برای رشد و توسعه‌شان می‌باشد. توسعه اجتماع محلی را می‌توان براساس هدفی که دنبال می‌کند به دو دسته تقسیم‌بندی نمود که عبارتند از: اهداف محتوایی<sup>۱</sup> که به معنای بهبود وضعیت

1. content objectives

اجتماع محلی از طریق افزایش فعالیت‌های اقتصادی و یا اشتغال، ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی محلی و اهداف فرایندی<sup>۱</sup> که به معنای افزایش توان و ظرفیت اجتماع محلی برای انجام کارها است. این اهداف ممکن است به منظور افزایش ظرفیت‌ها برای دستیابی به اهداف محتوایی باشد، مانند بهبود و افزایش روابط اجتماعی، در حالی که، تفاوت‌های زیادی بین برداشت‌های موجود از توسعهٔ اجتماع محلی وجود دارد، با این حال مجموعه مفاهیم و اصولی وجود دارد که اغلب دست‌اندرکاران توسعهٔ اجتماع محلی بر سر آن توافق دارند. بر این اساس توسعهٔ اجتماع محلی عبارت است از: فرایندی مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خودیارانه در میان ساکنان یک محله در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی، بنابراین تعریف، چهار بعد اصلی عبارتند از: اقدام شهروندان یا همان اجتماع محلی، مشارکت داوطلبانه، همکاری و حل مشکلات به صورت همکاری، توانمندسازی و توجه به نتایج جامع‌نگر و فراگیر، یک اصل اساسی در توسعهٔ اجتماع محلی این است که باید از جایی که مردم هستند شروع کرد. بنابراین توسعهٔ اجتماع محلی یک جهت‌گیری فلسفی یا فرایند درگیر شدن در اجتماع محلی است نه یک روش که اعضای اجتماع محلی باید آن را دنبال کنند. از این مهم‌تر جمع شدن اعضا در کنار هم به صورتی عملکردی برای دستیابی به اهداف می‌باشد. این پژوهش به نوعی در صدد بررسی این سؤال است که در بین عشایر عرب خوزستان به عنوان یک اجتماع محلی، برای برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیران و فعالان توسعه‌ای که به الگوی توسعه مبتنی بر اجتماع محلی باور دارند، مهم‌ترین توانایی در جهت ایجاد تشکل‌های گوناگون و شکل‌گیری هسته‌های مشارکتی برای انواع فعالیت‌های توسعه‌ای چیست؟ و نقش عناصر فرهنگی و اجتماعی در اجرای این هدف در بین عرب‌های خوزستان چگونه است؟

### دیدگاه‌های مربوط به فعالیت‌های جمعی در ایران

با بررسی ادبیات مربوط به جامعهٔ روستایی شاهد طرح نقطه‌نظرهایی پیرامون فعالیت‌های جمعی روستاییان در زمینه‌های مختلف تولید کشاورزی هستیم که از آن‌ها تحت عناوین همکاری، همیاری، دیگرکاری، خودیاری و تعاون سنتی بنه و سایر همیاری‌ها یاد می‌کنند. وجه اشتراک و نقطهٔ اتکا همهٔ این فعالیت‌های مشارکتی در زمینه‌های مختلف کشاورزی، آبیاری، خانه‌سازی و کمک در تعمیر منازل مسکونی، لایروبی انهار و... که به نوعی در زبان امروزی جزء فعالیت‌های توسعه‌ای مبتنی بر همکاری و مشارکت مبتنی بر اجتماعات محلی از آن یاد

1. process objectives

می‌شود، بیش از هر چیز بر بعد فرهنگ مشارکت و یاری‌گری در بین مردم روستایی ایران در قالب و اشکال گوناگون می‌باشد. البته در این بین می‌توان طیفی از دیدگاه‌های متفاوت را ملاحظه نمود. برای نمونه، خانم لمبتون معتقد است دهقانان در فن همکاری مانند مالکان و دیگر طبقات ایران ناآزموده و بی‌تجربه‌اند به نظر او وجود روحیهٔ قدرگرایی در میان دهقانان با فعالیت‌های مؤثر و جمعی سازگاری ندارد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۸۴).

فرانسیسکو بنت، که در زمینهٔ نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقهٔ زاگرس کار کرده، معتقد است تعاون اقتصادی میان دهات به‌طور کلی وجود ندارد، بنت به نوعی درون‌گرایی روستایی مبتنی بر ارتباطات قبیله‌ای در میان دهات ایران اشاره می‌کند که آن‌ها را از همکاری و تعاون اقتصادی بازداشته است (بنت، ۱۳۴۷ به نقل از غفاری، ۱۳۸۰: ۸۷).

خسروی، با نادرست دانستن طرح روحیهٔ فردگرایی برای دهقانان ایرانی معتقد است وضع خاص زراعت در ایران و مشکل آب و نحوهٔ استفاده از آن کار در واحدهای تولید جمعی مانند بته و غیره را ایجاب می‌کرده است، (خسروی، ۱۳۵۸: ۱۲۱) به نظر وی مشکل کم‌آبی و نیز شوری خاک و وابستگی به شبکهٔ آبیاری و به‌خصوص دشواری نحوهٔ تقسیم آب در روستاهای ایران انگیزهٔ پدید آمدن نوعی همکاری و تعاون و روابط دموکراتیک در واحدهای زراعی بین کشاورزان شده است (خسروی، ۱۳۴۸: ۵۳). نقش و تأثیر کمی آب بر فعالیت‌های جمعی روستاییان مورد توجه دیگر صاحب‌نظران متجمله اشرف نیز قرار گرفته است، به‌طوری‌که وی عنوان می‌کند در مناطق خشک و حاشیهٔ کویر کار آبیاری و زراعت دشوار بوده و برای بهره‌کشی از رعایا، نسق زراعتی ده را برحسب وسعت اراضی و جمعیت روستا به چند واحد مساوی بخش کرده و هر کدام را زیر نظر کدخدا به یکی از افراد توانای آن جمع واگذار می‌کردند و آن‌ها را به نام‌های محلی بته، صحرا، پاکاو، طاق، حراثه و مانند آن می‌خواندند (اشرف، ۱۳۶۱: ۷).

به نظر کاتوزیان، نیز کمیابی آب موجب همکاری میان زارعان برای ساخت و نگهداری قنات و نیز توزیع آب می‌شده است به نظر او استحکام بته که شیوه و روش سنتی تولید جمعی بود تحت تأثیر چگونگی وضعیت آب و خشکی بوده است.

دز ایران خانوارهای دهقان تنها واحد تولید کشاورزی محسوب نمی‌شوند، بلکه تا سال‌های اخیر تولید کشاورزی در واحدهای کار زراعی سنتی انجام می‌شده که اصطلاحاً در عرف جامعه‌شناسی روستایی ایران «بته» نام گرفته است (خسروی، ۱۳۵۱، ازکیا، ۱۳۵۲، صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، لهسایی‌زاده، ۱۳۶۹، تقوی، ۱۳۸۱). این واحدهای کار زراعی خصوصاً در نقاط کم‌آب

مرکزی و حاشیه کویر و یا در نیمه شرقی رایج بوده است (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، و ثوقی، ۱۳۷۷، خسروی، ۱۳۵۲، ازکیا، ۱۳۶۵، ۱۳۷۹). این واحدهای کار زراعی دارای سوابق کهن، ساخت اجتماعی و مناسبات اجتماعی پیچیده بوده‌اند و در اشکال مختلف فعالیت‌های کشاورزی و گروه‌های هم‌آب، نمونه‌هایی از انواع فعالیت‌های مشارکتی و همیاری‌های گروهی، در بین روستاییان مشهود است.

علاوه بر آنچه ذکر شد، تشکیل گروه‌های هم‌آب تحت تأثیر عوامل دیگری نظیر مقدار آب، فصول سال مدار گردش آب و نوع محصول کاشته شده، نیز می‌باشد (ازکیا، ۱۳۵۲: ۹). در نقاطی از ایران که میزان آب بیشتری در اختیار زارعان قرار دارد، گروه‌های هم‌آب از انسجام کمتری برخوردار است در حالی‌که، در مناطق کم‌آب می‌توان گفت که انتظام اجتماعی بیشتری حاکم بر روابط اعضا گروه هم‌آب است. در برخی از مناطق که کشت صیفی و تابستانه بیشتر متداول است، گروه‌های هم‌آب از فصل، بهار تشکیل شده و تا زمان برداشت محصول و تمام شدن مشکل کم‌آبی و خشکی فصل ادامه پیدا می‌کند. به‌علاوه نزدیک بودن اراضی افراد به یکدیگر، توافق اخلاقی و سازگاری بین افراد در تشکیل گروه مؤثر است (همان: ۲۰).

«هر چه ناحیه خشک‌تر بود، بُنه قدرتمندتر و احتمال پراکندگی متصرفات دهقانان بیشتر بود» (۱۳۸۴). به نظر وثوقی بُنه به‌عنوان نظام کار گروهی یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های کشاورزی است که از سالیان متوالی در فلات ایران خصوصاً در نقاط کم‌آب مرکزی و حاشیه کویر رایج بوده است (وثوقی، ۱۳۶۶: ۱۰۸).

کاظم ودیعی از جمع‌گرایی روستایی نام می‌برد و عنوان می‌کند اشتراک مساعی، خودیاری و تعاون اجتماعی از مظاهر بارز هر روستای ایرانی است. این پدیده ناشی از شرایط طبیعی و مظهر نبرد با طبیعت و اساساً برای جبران عدم مساعدت‌های طبیعت و ضعف تکنیک بوده است (ودیعی، ۱۳۴۸: ۱۷۳).

مرتضی فرهادی، نیز از وجود روحیه مشارکتی و تعاون‌گرایی در اشکال مختلف همیاری و یاری‌گری در میان روستاییان دفاع می‌کند (۱۳۷۳) مهدی‌طالب، معتقد است که امر مشارکت، مدیریت و مالکیت واحدهای بهره‌برداری به‌رغم وجود زمینه‌های مختلف همیاری (مثل همکاری در لایروبی انهار و قنوات، کار گروهی و معاضدت در نشأ کاری و وجین کردن و...) ضعیف است. وی معتقد است شیوه‌های همیاری موجود در جوامع روستایی نشانگر مشارکت میان گروه‌های خاص مثل گروه خویشاوندی، همسایگی و... می‌باشد. حال آن‌که مشارکت در امور عمومی مربوط به توسعه یا سازمان‌دهی مردمی بدون دخالت

قدرت موجود (مالک و بعد دولت) مسبوق به سابقه نیست (طالب، ۱۳۷۶: ۱۰۵). گروه دیگری از پژوهشگران مشارکتی بودن جامعه روستایی را رد نمی‌کنند و وجود گونه‌های متعدد همیاری و تعاون را در اشکال تولیدی آن تأیید می‌کنند ولی محدوده و مرز این همیاری و تعاون را تحت تأثیر عوامل خویشاوندی، قومی و قبیله‌ای و مذهبی می‌دانند و در سطوح فراتر از آن جامعه روستایی را غیر مشارکتی می‌دانند. به نظر این گروه ویژگی‌های شخصیتی و نوعی خاص‌گرایی که متأثر از ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی بوده در این امر دخالت دارد. آن چنان که شواهد تاریخی و تجربی در خصوص بُنه‌ها به مثابه واحدهای تولید جمعی نشان می‌دهد، عامل خویشاوندی از عوامل پایداری و دوام این نوع واحدها حتی در نوع جدید خود یعنی مشاع‌های روستایی بوده است. غفاری در روستاهای حاشیه کویر بر این نکته اشاره دارد که هر طاق آب که به نوعی تشکیل یک بُنه آبی را می‌دهد به نام طایفه نامگذاری شده است و اعضای آن‌ها با یکدیگر نسبت خویشاوندی دارند. (غفاری، ۱۳۸۰: ۹۱).

به‌طور کلی با توجه به نقطه‌نظرهای مطرح شده در زمینه مشارکت و همکاری‌های جمعی به‌ویژه در واحدهای تولیدی سنتی و توان انجام هرگونه فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت و همکاری مبتنی بر اجتماع محلی در سه گروه قابل تقسیم‌بندی‌اند:

۱. کسانی که معتقدند روستاییان تمایلی نسبت به کنش و فعالیت جمعی ندارند و روحیه تک‌روی و فردجویی بر آن‌ها غالب است که برآیند آن عدم اقبال به فعالیت‌های اجتماعی و تولیدی است.

۲. صاحب‌نظرانی که برخلاف دسته اول معتقدند، دهقانان ایرانی دارای روحیه تعاون و جمع‌گرایی در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، تولیدی، اقتصادی، فرهنگی و روانی بوده و با یکدیگر همیاری و دیگریاری دارند.

۳. کسانی که به دیدگاه اول چندان توجهی ندارند و در عین حال دیدگاه دوم یعنی جمع‌گرا و مشارکتی بودن روستاییان را رد نمی‌کنند ولی برای آن سطحی قائل می‌شوند. بدین معنا که معتقدند روستاییان در سطح و عرصه خاصی از نظام اجتماعی مشارکتی هستند. به نظر این گروه مشارکت اعم از اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی تا سطح خانواده، طایفه و قبیله جریان پیدا می‌کند ولی به سطوح فراتر از آن ارتقا نمی‌یابد و در این بین باورها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مردم تأثیر فراوانی در کوتاهی شعاع اعتماد و مشارکت، در انواع فعالیت‌های جمعی دارد.

### زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر توسعهٔ اجتماع محلی

توجه به نقش روابط اجتماعی، نقطهٔ عطفی در رویکرد نظری در مطالعات توسعه می‌باشد. تا دههٔ ۹۰ اکثر نظریه‌های توسعه دیدگاه‌هایی کوتاه‌بینانه و حتی متناقض دربارهٔ نقش روابط اجتماعی در توسعهٔ اقتصادی داشتند و توصیه‌های سیاستی سازنده‌ای که عرضه می‌کردند، چندان قابل استفاده نبود. برای مثال، در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ روابط اجتماعی و راه و رسم‌های سنتی زندگی همچون موانعی بر سر راه توسعه تلقی می‌شد. وقتی نظریه‌پردازان مکتب نوسازی «فقدان یا شکست سرمایه‌داری» را توضیح می‌دادند، نقطه‌ای که در کانون توجه آنان قرار داشت نقش روابط اجتماعی و فرهنگی به عنوان یک مانع بود. چنان‌که در یکی از اسناد معتبر وقت، متعلق به سازمان ملل در ۱۹۵۱، گفته شده برای آن‌که کار توسعه پیش برود، «فلسفه‌های قدیمی باید ابطال شوند، نهادهای کهنهٔ اجتماعی از هم بپاشند، زنجیرهای کاست و عقیده و نژاد باید از هم گسسته شوند و بی‌شمار اشخاصی که قادر نیستند قدم به قدم با ترقی حرکت کنند محکوم‌اند که از برخورداری از یک زندگی آسوده چشم‌پوشند و تن به قبول نومیدی بدهند» (اسکو بار، ۱۹۹۵: ۳) این دیدگاه در دههٔ ۷۰ جای خود را به نظریه‌های وابستگی<sup>۱</sup> و نظام جهانی<sup>۲</sup> داد. اینان معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی [شرکت‌ها] و سیاسی، ساز و کار اصلی استثمار سرمایه‌دارانه است. در این دیدگاه‌ها ویژگی‌های اجتماعی کشورها و جوامع فقیر تقریباً یکسره از نقطه‌نظر رابطهٔ آنان با ابزار تولید و ناسازگاری ذاتی بین منافع طبقهٔ سرمایه‌دار و کارگر تفسیر می‌شد. در عین حال دیدگاه‌های اجتماع‌گرایانه<sup>۳</sup>، بر سودمندی و خودکفایی اجتماعات تأکید می‌کردند، جنبه‌های منفی تعهدات گروهی را دست‌کم می‌گرفتند و اهمیت روابط اجتماعی در ساختن نهادهای رسمی مؤثر و پاسخگو را نادیده می‌انگاشتند.

در کنفرانس جهانی ۱۹۸۲ مکزیکوسیتی به بررسی مفاهیم و تعاریف فرهنگ و توسعه و بعد فرهنگی توسعه و توسعهٔ فرهنگی به صورت تشریحی و توصیفی پرداختند و فرهنگ عنصر ضروری توسعه تشخیص داده شد، در این کنفرانس بی‌توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی را عامل شکست توسعه و فرآیند توسعه را تحول فرهنگی قلمداد کردند. همچنین در اجلاس عمومی سازمان ملل در ۱۹۹۰ و سایر اجلاس‌ها و نشست‌ها و بیانیه‌ها، در مرور بر پروژهٔ میان‌دوره‌ای دههٔ جهانی توسعهٔ فرهنگ، ایجاد کمیسیون‌های منطقه‌ای و اقتصادی را برای ارزیابی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه، عامل بالقوهٔ ایجاد شغل و درآمد دانسته است. (سازمان

1. dependency theory  
3. communitarian

2. world system theory



ملل، ۱۹۹۱، کپنهاگ ۱۹۹۵: اجلاس هزاره سوم).

در بررسی فعالیت‌های بانک جهانی (۲۰۰۴) نیز سه مقطع در زمینه توجه بانک به مباحث اجتماعی و فرهنگی در توسعه مبتنی بر اجتماع محلی، قابل تشخیص است. مقطع اول بین سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۸۷ که بیشتر استقرار دیدگاه جامعه‌شناختی، در بانک بود و متخصصان توسعه اجتماعی از ۱۹۷۰ به بانک پیوستند، به گونه‌ای که بانک در پروژه‌های توسعه روستایی سیاست‌های توسعه‌ای خویش را براساس توجه خاص به موقعیت‌های محلی از بعد اجتماعی و فرهنگی نمود و این موضوع نیز نتایج مثبتی در اجرای طرح‌های توسعه محلی به همراه داشته است و توجه جداگانه به گروه‌های آسیب‌پذیر ناشی از نتایج منفی اجرا طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای را با خود به همراه داشته است. در دهه ۸۰ برای اولین بار ارزیابی منتفعین از پروژه‌های بانک به عنوان یک ابزار مدیریتی جهت بررسی بازخورد پروژه‌های بانک صورت گرفت و همچنین بودجه‌هایی برای سازمان‌های مردم‌نهاد در انجام چنین فعالیت‌هایی در نظر گرفته شد. در مقطع دوم، ۱۹۸۷-۱۹۹۷ با رشد سریع در توجه به موضوع توسعه اجتماعی روبه‌رو هستیم و در این دوره بانک دستورالعمل توسعه اجتماعی و محیط زیست را در بخش‌هایی تنظیم نمود و ارزیابی‌های محیط زیستی با ارزیابی‌های سیاست‌های اسکان مجدد و اجتماع بومی با یکدیگر تلفیق گردید. قبول اهمیت مشارکت نفع‌برندگان از پروژه‌ها در طرح‌ها و حضور نزدیک سازمان‌های مردم‌نهاد در چرخه پروژه‌ها، باعث افزایش مشارکت مدنی شد و بالأخره باعث شکل‌گیری بنیان‌هایی برای کار از طریق پروژه‌های مبتنی بر اجتماع محلی، برای توسعه گردید. در مقطع سوم، ۱۹۹۷ تا به امروز: بانک بینش نهادی جدیدی برای توسعه اجتماعی بیان کرده و عوامل توسعه اجتماعی را در قالب پنج خط موضوعی شامل توجه به تحلیل اجتماعی فرصت‌ها، چالش‌ها و خطرهایی به عنوان نکات مکمل در تحلیل نهادی و اقتصادی پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای، توجه به مشارکت مدنی، توسعه مبتنی بر اجتماع محلی و بررسی تحلیلی سرمایه اجتماعی محلی در انجام پروژه‌ها، توجه به اولویت‌های محلی و نهادهای رسمی و غیر رسمی، بازسازی اجتماعی و فیزیکی بعد از کشمکش‌ها و تضادهای محلی و توجه به مردم آسیب دیده و طرد شده دنبال کرده است.

مرنیسی (۱۹۹۹) سرمایه اجتماعی را شکلی از همبستگی سنتی جامعه می‌داند که در آن گروه‌های مردم با وقف خویش در پروژه‌های اجتماعی، نفع فردی خود را دنبال می‌کنند. وی این نکته را رمز برنامه‌ریزی و اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های تأمین آب و برق در ۴۵ روستای بربر در کوهستان‌های اطلس علیا در جنوب مراکش می‌داند. نویسنده می‌گوید اگر

سرمایه اجتماعی به‌زعم فوکویاما در جایی یافت می‌شود که سنت جامعه عمیقاً در تاریخ یک قوم یا ملت ریشه داشته باشد. در این صورت منطقه اطلس علیا با چنین شکل و شمایل همخوانی دارد. در آنجا سنت «جَمَع» یا «انجمن»، جوامع را قادر ساخته تا به مدد رویکردهای نوین بر همکاری، نظیر آنچه در بطن سازمان‌های غیردولتی نهفته است، نیروهای اجتماعی را بسیج کنند و دست به نوگرایی بزنند. «جمع» گنجینه‌ای از همبستگی سنتی است که نسل‌های گذشته برای مراکش امروز به ارث گذاشته‌اند. اعضای جمع نشست تشکیل می‌دهند و نماینده‌ای به نام «مقدّن<sup>۱</sup>» انتخاب می‌کنند که مسئول فعالیت‌های اساسی برای بقا جامعه است. «مقدّن» اهالی روستا را دعوت می‌کند تا کلیه وظایف لازم برای مقابله با چالش‌های ناشی از محیط جغرافیایی، نامساعد روستایی، شامل تعمیر و لایروبی حوضچه‌ها و کانال‌های آبیاری، مبارزه با ملخ و فراهم آوردن وسایل پذیرایی از مسافران را انجام دهند. به‌زعم نویسنده همبستگی جَمَع در نزد بربرها شکلی از سرمایه اجتماعی است که اگر قرار است به عنوان یک ابزار راهبردی توسعه مؤثر واقع شود، باید با نهادهای مدرن اجتماعی در پیوند قرار گیرد. این دقیقاً کاری است که ژاپنی‌ها با «کایرت سو<sup>۲</sup>» - شکل سنتی همبستگی طایفه‌ای خودشان - انجام داده‌اند. در قسمت آخر، نویسنده بر این باور است که به علت عضویت قبیله‌ای مبتنی بر خون و نژاد و عدم فعالیت و به‌کارگیری زنان در تصمیم‌گیری‌های انجمنی، ضمن این‌که، این انجمن‌ها از فعالیت موفقیت‌چشمگیری در اجرای پروژه‌های توسعه‌ای برخوردار بوده‌اند. لیکن، همبستگی جَمَع ارزش مدرن نخواهد داشت مگر آن‌که در سطوح ملی، مغربی، مدیترانه‌ای و بین‌المللی با راهبردهای اقتصادی و اجتماعی درآمیزد. به‌زعم وی آمیزش سرمایه اجتماعی با راهبردهای مدرن اقتصادی و اجتماعی چالشی است که کشورهای مدیترانه‌ای در آستانه قرن بیست و یکم با آن مواجهند.

مطالعات ما (۲۰۰۶) در حوزه آبریز کرخه نیز نشان می‌دهد که ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های قومی عرب‌های خوزستان که در اعتقادات و باورهای دینی آنان ریشه دارد، نقش مهمی در وحدت و انسجام گروهی طوایف عرب و شکل‌گیری تشکلهای اقتصادی در بین آنان ایفا می‌نماید. به گونه‌ای که این موضوع در بعد فعالیت‌های اقتصادی و نظام‌های بهره‌برداری از زمین در آن منطقه کاملاً مشهود است و در بیش از ۹۲ درصد از واحدهای بهره‌برداری مکانیزه (بالای ۵۰ هکتار) در دهستان چنانه، بهره‌برداران عضو یک طایفه و بیت می‌باشند و یا در منطقه دشت عباس،

۱. Mogadden، این واژه در جای دیگر مقدم آمده که صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

نیز در این‌گونه نظام‌های بهره‌برداری مشابه نیز بیش از ۷۹ درصد از بهره‌برداران از خویشاوندان درجه‌ یک و اعضای یک بیت می‌باشند. در بهره‌برداری‌های تعاونی‌های تولیدی مشاع در دشت عباس، نیز حدود ۸۵ درصد از واحدها از خویشاوندان درجه‌ یک و عضو یک بیت می‌باشند.

### تاریخچه و پراکندگی جغرافیایی عرب‌ها در ایران

به اعتقاد برخی از پژوهشگران، حضور مردم عرب در ایران را باید در دوره تمدن عیلامی‌ها جست‌وجو کرد. برخی دیگر از پژوهشگران، حضور عرب‌ها را در ایران با مهاجرت آریایی‌ها به این سرزمین هم‌زمان می‌دانند. در مورد این‌که مردم عرب ایران در سال‌های نخستین میلادی در این منطقه سکونت داشته‌اند، مدارکی در دست است.

قیم (۱۳۸۰) در سفرنامه‌ها و مطالعات تاریخی و نوشته‌هایی که به بررسی احوال مردم عرب ساکن دورترین نقاط کشور، پرداخته است چنین استنباط می‌کند که در زمان گذشته مردم عرب به دنبال یافتن زمین مناسب و آب و هوای مساعد، به نقاط مرکزی فلات ایران مهاجرت و در آن مناطق سکونت کرده‌اند. این مهاجرت‌ها یا از طریق خوزستان انجام می‌شده و یا این‌که نقطه آغازین آن خوزستان بوده و این مهاجرت‌ها در دوره اسلامی به ایران رو به فزونی نهاده است و باعث حضور و استقرار آن‌ها در دور دست‌ترین نقاط کشور گردیده است. در جریان این مهاجرت، بسیاری از عرب‌های مهاجر به مرور زمان و در نتیجه معاشرت و رابطه با ساکنان بومی این مناطق، در آنان مستحیل شده و فرهنگ آنان تغییر پیدا کرده و دسته دیگری از عرب‌ها، گروه‌هایی هستند که علی‌رغم حضور طولانی در ایران و زندگی در کنار سایر اقوام و عشایر و گروه‌ها، فرهنگ بسیاری از ویژگی‌های قومی خود را حفظ کرده‌اند.

هر چند کانون استقرار قوم عرب در ایران، جنوب کشور یعنی بخش‌هایی از استان خوزستان است اما در عین حال، در نقاط دیگر کشور نیز مردم عرب زبان زندگی می‌کنند. از این رو قلمرو استقرار عرب زبان‌ها در ایران را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. استان فارس: عشایر عرب از ایلات خمسه شامل تیره‌های بزرگ «شیبانی و جبارة» می‌باشند که قشلاق آن‌ها اطراف شهرستان‌های فسا، داراب، جهرم و رودان احمدی و بیلاق آنان در شمال بندرعباس و لار است و تیره‌های عرب باصری در منطقه سروستان و باچگاه، تیره کردان در مشهد مرغاب و طایفه ابوبخش در شرق سده را نیز می‌توان به عنوان عرب‌های ساکن در این منطقه نام برد.

۲. استان کهگیلویه و بویراحمد: شامل عشایر «باوی» در منطقه باشت و کوه مره سرخنی است.

۳. استان خراسان: شامل عرب‌زبانان سنی مذهب ساکن شهرستان تایباد و تربت جام، عشایر عرب بهلولی در خواف، عشایر خزایی و خاوری در قره‌زر و عشایر نادری در بیرجند و سربیشه، عرب‌زبانان ساکن عرب‌خانه در نهبندان و شهرستان قائنات می‌باشد.

۴. استان‌های بوشهر و هرمزگان: شامل ساکنان شهرستان‌های کنگان، نخل تقی، بنار، عسلویه، بندرلنگه و جزایر قشم و کیش می‌شود.

۵. استان ایلام: شامل عرب‌زبانان ساکن نواحی شمال فکه و شهرستان موسیان است. در پایان این نکته یادآوری می‌شود که کانون توجه در این نوشتار عرب‌های ساکن جنوب کشور در خوزستان می‌باشد که یک مجموعه به هم پیوسته قومی، فرهنگی و جغرافیایی را تشکیل می‌دهند و قسمت عمده حوزه آبریز کرخه را عرب‌های خوزستان تشکیل می‌دهند.

منطقه جلگه‌ای استان خوزستان که از جنوب شهرهای دزفول، مسجدسلیمان رامهرمز و بهبهان آغاز می‌شود و تا کرانه‌های خلیج فارس و اروندرود ادامه دارد. یکی از اماکن استقرار عرب‌ها می‌باشد، این منطقه نسبتاً وسیع حدود ۶۵ درصد از مساحت استان خوزستان را در بر می‌گیرد و شامل شهرستان‌های خرمشهر، آبادان، شادگان، ماه‌شهر، اهواز، هویزه، سوسنگرد، بستان، پشت لالی، شوش، شوشتر و جنوب دزفول می‌شود.

اظهار نظر در مورد جمعیت مردم عرب خوزستان، به علت عدم تفکیک و روشن نبودن شاخص‌های تعریف قومیت در آمارگیری و سرشماری‌های رسمی کشور، تا حدود زیادی مشکل است و آنچه در این‌باره گفته می‌شود عمدتاً جنبه تخمینی دارد. با استناد به نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۷۵ و با تفکیک روستاها و شهرهای عرب‌نشین خوزستان از مناطق غیر عرب‌نشین و محاسبه تقریبی برای هر شهر و روستا، جمعیت عرب خوزستان در حدود دو میلیون و هفتصد هزار نفر برآورد می‌شود.

### ساختار خویشاوندی عشایر عرب خوزستان

آنچه در بافت اجتماعی جامعه عرب خوزستان جریان دارد، وجود روابط عشیره‌ای است که با وجود اضمحلال زندگی کوچندگی و پیدایش طبقات و اقشار جدید، کماکان به حیات خود ادامه می‌دهند. وجود این قبیل روابط در مناسبات مردم عرب، تاکنون نقش بازدارنده‌ای در پیشرفت و تعالی فرهنگ - اجتماعی این منطقه ایفا کرده است. این مناسبات قبل از آن‌که علت

باشد، خود معلول است. برخی از مهم‌ترین عوامل پایداری روابط عشیره‌ای در میان عرب‌ها به شرح ذیل است:

۱. شرایط تاریخی حاکم بر جامعه عرب خوزستان و عدم پیدایش طبقه تجار و سرمایه‌داران بزرگ در میان آن‌ها.

۲. تمایل حکومت پهلوی به انقیاد و کنترل مردم عرب از طریق تسلط بر شیوخ.

۳. تمایل مفرط شیوخ عرب به حفظ قدرت و شرکت خود در همه فعالیت‌ها و تأکید آنان بر پیوندهای خونی و طایفه‌ای.

۴. کم بودن تعداد تحصیل‌کردگان و روشنفکران نسبت به جمعیت.

۵. طولانی بودن زمان دادرسی دعاوی در محاکم قضایی و آشنا نبودن توده مردم (به‌ویژه روستاییان) به زبان فارسی برای دفاع از خود که آن‌ها را وادار می‌سازد برای حل اختلافات، به ساختار عشیره‌ای و شیوخ و ریش‌سفیدان متنفذ مراجعه کنند.

۶. فقر اقتصادی و کم بودن تعداد شاغلین بومی در دستگاه‌های دولتی به نسبت جمعیت و در نتیجه وابستگی آن‌ها به ساخت عشیره‌ای، زیرا استقلال اقتصادی افراد و عدم وابستگی مالی به عشیره، نقش مهمی در گسستگی روابط عشیره‌ای دارد.

۷. حفظ هویت قومی و ایلی زیرا بسیاری از افراد حفظ روابط عشیره‌ای و به تبع آن، وجود عشیره را یکی از راه‌های حفظ هویت قومی دانسته و به تقویت آن می‌پردازند.

۸. احساس محرومیت نسبی در جامعه قومی عرب که هر قدر این احساس بیشتر باشد گرایش به حفظ فرهنگی و آداب و رسوم در آن قوم تشدید می‌شود که صورت افراطی آن منجر به قوم‌سالاری می‌شود.

هر چند سازمان اجتماعی جامعه قومی عرب به علت پراکندگی جغرافیایی، تقسیم کار، تنوع مشاغل، رشد شهرنشینی و گسترش ارتباطات، خصلت بسته و سنتی خود را تا حدودی از دست داده است. اما در عین حال تقسیمات سازمان اجتماعی جامعه قومی عرب، به شرح ذیل می‌باشد:

### تقسیمات سازمان اجتماعی عشایر عرب خوزستان

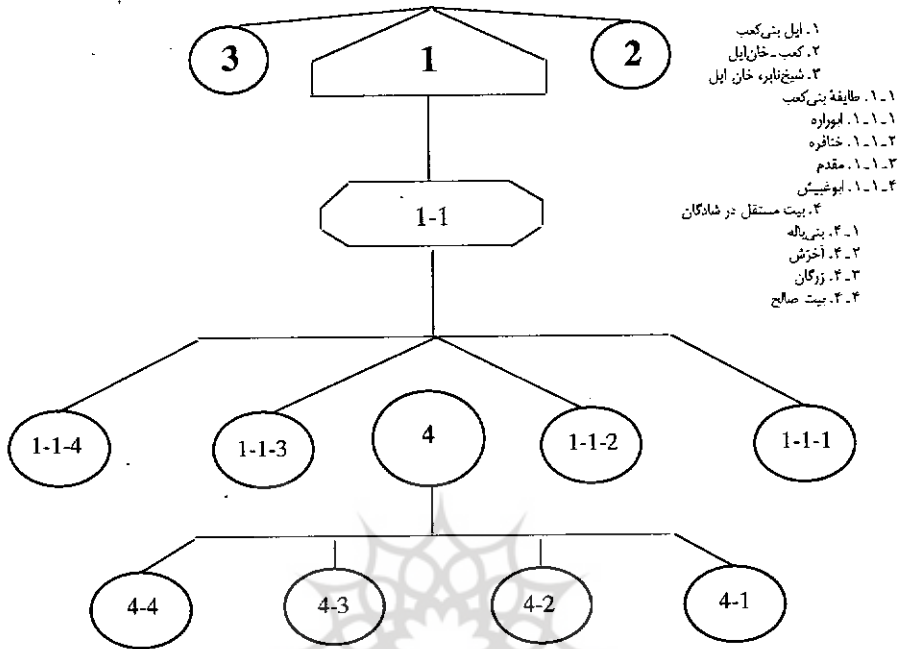
کوچک‌ترین واحد اجتماعی در بین عشایر عرب خوزستان «خانواده» است. کوچک‌ترین تشکّل‌های ایلی از خانواده‌هایی که دارای دو، سه و یا چهار پشت و نسب مشترک می‌باشند به‌وجود می‌آید، این تشکّل در بین عشایر عرب تحت عنوان «بیت» نامیده می‌شود که در خود ۱۲ تا ۲۰ خانوار را جای می‌دهد. این تشکّل امروزه نیز دارای کارکردهای سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی است. بزرگ هر یک از اعضای کوچک‌ترین ردهٔ ایلی (بیت)، خود فرزند و یا یکی از فرزندان یک رده خویشاوندی نسبی واقعی بزرگ‌تر است که در بین عشایر با عنوان «آل» مشخص می‌شود. اعضای این رده علاوه بر اعضای خانوادهٔ برادران، عموزاده‌های درجهٔ ۱ تا ۳ را شامل می‌شود و دارای سه، چهار و یا پنج پشت نسب مشترک هستند. این نوع تشکّل حدود ۵۰ تا ۱۰۰ خانوار را شامل می‌شود و همانند بیت از کارکرد جدی در میان عشایر برخوردار است. ازدیاد نسل یک خانواده در طی سال‌های متوالی (۴ تا ۶ نسل) به وجود آورندهٔ یک آل است. این گروه بزرگ‌ترین گروه نسبی حقیقی است. اعضای این گروه‌ها به دلیل همسرگزینی درونی دارای روابط سببی و نسبی حقیقی می‌باشند. تفاوت این تشکّل با سایر رده‌های کوچک‌تر فقط شمار نسل‌هاست و علاوه بر آن کارکرد این تشکّل در بین عشایر عرب بیش از عشایر غیر عرب است.

	ساده‌ترین واحد اجتماعی	خانواده
	۵ تا ۱۰ خانوار با خویشاوندی نسبی و سببی	بیت
	چند بیت که دارای نیای مشترک باشند	آل
رابطهٔ خویشاوندی حقیقی		
رابطه خویشاوندی تصویری	اتحاد چند آل	تیره
	اتحاد چند تیره به منظور ایجاد تفاهم	طایفه
	اتحاد دو یا چند طایفه	قبیله

نمودار شمارهٔ ۱. ساختار عشایری اعراب خوزستان

بیت و آل که اعضای آن دارای نیای مشترک هستند، به واحدهای خویشاوندی حقیقی موسوم می‌باشند. اشکال دیگری از سازمان‌های اجتماعی در بین عشایر منطقه وجود دارند که متکی بر خویشاوندی واقعی نیستند که از آن‌ها به نام سازمان‌های خویشاوندی آرمانی یاد می‌شود. در بین عشایر ناحیه اتحاد دو یا چند ردهٔ خویشاوندی بزرگ و واقعی به منظور ایجاد تفاهم تشکّل یک «تیره» را می‌دهند. اتحاد دو یا چند تیره یک «طایفه» را به وجود می‌آورد و از اتحاد دو یا چند طایفه یک ایل شکل می‌گیرد. برای نمونه ساختار قبیله بنی کعب در نمودار شمارهٔ ۲ آمده است. در رأس قبیله شیخ‌المشایخ قرار دارد و امروزه برخلاف گذشته که اداره‌کنندهٔ قبیله به شمار می‌آمد، بیشتر جنبهٔ نمادین دارد. قبیله بنی کعب از چهار طایفه عساکره، ختافره، مقدم و أبوغیش تشکیل شده است که در رأس هر کدام از این طوایف شیخی به رتق و فتق امور می‌پردازد.



نمودار شماره ۲. تقسیمات طایفه‌ای ایل بنی‌کعب

منبع: مطالعات میدانی

### ساختار قدرت

ساخت قدرت در «خوزستان» در طول تاریخ از فراز و نشیب‌هایی برخوردار بوده است و طبیعتاً تابعی از وضعیت کلی کشور و ساختار قدرت در تاریخ کشور ایران بوده است. ضعف قدرت مرکزی با گسترش اختیارات قدرت‌های محلی در خوزستان همراه بوده است و زمانی که حکومت مرکزی قدرتمند بوده است، فردی از امرای لشکری در رأس هرم و قدرت در منطقه منصوب می‌شد. عناصر قدرت منطقه در ظاهر تحت حاکمیت وی قرار می‌گرفتند. گاهی ساختار مذکور به ساخت‌های کوچک‌تری جدا و مجزی شده و هر یک به‌طور مستقل بر بخشی از طوایف منطقه، حکومت می‌کردند. ساخت قدرت رسمی تا قبل از سرکوب شیخ خزعل توسط رضاشاه منطبق بر ساختار غیر رسمی قدرت بود. ولی از این تاریخ به بعد، ساخت رسمی قدرت در منطقه، جزئی از حکومت مرکزی وقت شد. در حالی که قدرت غیررسمی همچنان در دست شیوخ منطقه باقی ماند و بعضاً شورش‌هایی از سوی شیوخ در جهت انطباق این دو ساخت

عمل آمد که همگی با شکست روبه‌رو شدند. ولی برخی از قدرتمندان محلی با حفظ اقتدار غیر رسمی با پذیرش سلطه حکومت مرکزی در ساختار سیاسی رسمی کشور وارد شدند.

رهبر یا شیخ طایفه و وظایف و ویژگی‌های آن در جامعه عرب خوزستان به صورت سنتی تعریف شده است. در نظام ارزشی آن‌ها رهبر یا «شیخ» منزلتی ویژه داشت و رعایا بنا به رعایت هنجارهای قومی از وی کاملاً اطاعت می‌کردند. شیخ صرف‌نظر از ظلم‌ها و زورگویی‌ها به منزله پدر و سرپرست طایفه بود و با بسیاری از اعضا طایفه تحت سرپرستی خود رابطه خویشاوندی داشت. لذا رعایا حمایت از رهبری را به واسطه خویشاوندی با رهبر، به‌طور کامل انجام می‌دادند. شیخ چون پدر خانواده بود و در واقع نظام سیاسی بازتابی از نظام خانواده در جامعه بود. در نظام سیاسی مذکور مردم و رهبری روابط متقابل داشتند و هریک در قبال دیگری، وظایفی خاص بر عهده داشتند که عمده‌ترین وظایف رهبر در برابر مردم در گذشته و در برخی تاکنون عبارت است از: حل و فصل نزاع‌های درون طایفه‌ای، نظارت بر اجرای صحیح آداب و سنن، میزبانی افراد بیگانه، نمایندگی اعضا طایفه در عقد قرارداد با مؤسسات دولتی و نقش هدایت و رهبری در فعالیت‌های اقتصادی و تقریباً موارد سه‌گانه اول را هم‌اکنون نیز انجام می‌دهد. مردم نیز در کلیه مراحل زندگی اجتماعی، نسبت به اوامر رهبرشان اطاعت محض داشتند. آن‌ها در نزاع‌ها و جنگ‌های قبایلی و همچنین ستیز با دولت مرکزی، سربازانی شجاع، مطیع و از جان گذشته بودند و در زندگی روزمره‌شان از اعمال و گفتار شیخ پیروی می‌کردند. مردم همچنین موظف بودند هرگونه معامله (جزئی و کلی)، را، در درون و یا خارج از طایفه با شیخ در میان نهند و با نظر وی به انجام آن کار مبادرت ورزند. آن‌ها در انجام کلیه آداب و سنن قومی، از نظرات و اوامر شیخ اطاعت می‌کردند. شیوه‌های انتخاب رهبر نیز انواع مختلفی داشته است و چندین نوع را شامل می‌گردد. انتقال رهبری به واسطه قرابت خونی، قتل رهبر قبلی، رهبری همزمان دو برادر، انتقال رهبری با توافق حکومت مرکزی، انتقال رهبری برخلاف نظر حکومت مرکزی و یا انتقال رهبری با قیام مردم صورت می‌گرفته است. رهبران نیز در حفظ و ادامه قدرت خویش از شیوه‌هایی استفاده می‌کردند. مانند: تطمیع درباریان حکومت مرکزی، پرداخت رشوه به مأموران دولتی، جلوگیری و ممانعت از تماس مأموران حکومت مرکزی با مردم، به محض این‌که مأموری از مرکز به خوزستان جهت بازدید و واریسی امور می‌آمد، رهبر محلی فرد یا افرادی را به عنوان محافظ و در عین حال جاسوس، همراه مأمور دولتی می‌کرد و به او متذکر می‌شد که از تماس مردم با مأمور دولتی ممانعت نماید، بزرگ جلوه دادن خطرات ادارات دولتی، حفاظت ظاهری از امنیت منطقه، سرکوب مخالفین محلی با استفاده از اعمال نفوذ در ادارات دولتی و علاوه بر شیوه‌های مذکور، شیوخ از شیوه‌های عام‌تری نیز برای تثبیت



قدرت خویش در هر شرایطی سود می‌جستند که اختصاص به شرایط خاصی نداشت، از جمله: ایجاد تفرقه و اختلاف بین نیروهای مخالف، شیخ افراد مخالف درون طایفه را به جان هم می‌انداخت و بدین ترتیب اولاً آن‌ها را تضعیف می‌کرد و ثانیاً با پادرمیانی و وساطت، خود را به عنوان بزرگ طایفه مطرح می‌کرد و ضرورت وجودی خویش را به دیگران یادآور می‌شد. تنبیه رعایا، شیخ برای حفظ آداب و سنن قومی، به‌ویژه جایگاه و منزلت رهبری، با هرگونه تخلف و انحراف از هنجارهای قومی به شدت برخورد کرده و متخلف را تنبیه می‌کرد. او توسط افراد مسلح و خدمت‌گزارانش کسانی را که اندکی آداب مربوط به رابطه رهبری و رعایا را نادیده می‌گرفتند، مورد اذیت و آزار قرار می‌داد. عمده نمودن خطر اقوام غیر عرب منطقه، شیخ همواره به رعایایش یادآور می‌شد که مواظب اقوام دیگر باشند و با آن‌ها ارتباط نداشته باشند. وی برای جلوگیری از نفوذ آن‌ها در منطقه، فروش زمین را به اقوام غیر عرب ممنوع کرده بود بدین ترتیب سعی در حفظ انسجام قومی و وحدت رهبری داشت.

### سامانه‌های مشارکت‌های اجتماعی بومی در فعالیت‌های اقتصادی

تا قبل از اصلاحات ارضی دهه ۴۰ جامعه روستایی در منطقه، از بسیاری خصالت‌های قبیله‌ای برخوردار بوده و تفکیک کارکردی عناصر ساختی صورت نگرفته بود تا طی آن، واحدهای تخصصی به جای واحدهای سنتی قواز گیرند. شیوخ در این دوره، در زمینه‌های اقتصادی، خانواده، نظام سیاسی و نهادهای مذهبی دارای کارکرد بودند. خانواده همچنان کانون فعالیت‌های اقتصادی بوده و سیستم مزدوری که سبب از هم پاشیدگی نظام تولید مبتنی بر خود مصرفی می‌گشت و کارکردهای خانواده را دگرگون می‌ساخت، هنوز استقرار نیافته بود. روابط استاد و شاگردی در درون خانواده روستایی پابرجا بود و به‌کارگیری افراد براساس ملاک خویشاوندی صورت می‌گرفت. الگوی قدرت براساس کنترل ریش سفید بود. و خانوار گسترده مبتنی بر پدرسالاری با الگوی چند همسری از رواج کامل برخوردار بود. علی‌رغم وجود قدرت مرکزی، سیستم اقتدار قبیله‌ای حاکم بود. در حوزه آبریز کرخه شیوه غالب تولید زراعی در آبادی‌های عرب‌نشین، نظام بهره‌برداری عشایری است. بخش عمده‌ای از آبادی‌های منطقه خالصه و متعلق به دولت بوده که در اختیار شیوخ و رؤسای طوایف قرار داشت و نظام بهره‌برداری در این آبادی‌ها «ارباب - رعیتی» بوده است و ۷۷ درصد آبادی‌ها از نظام بهره‌برداری عشایری برخوردار بوده‌اند.

بعد از اصلاحات ارضی دهه ۴۰، تغییرات عمیقی در ساختار قبیله‌ای منطقه مورد بررسی پدید آمد. درهم شکستن قدرت سیاسی رؤسای طوایف و تغییر جامعه قبیله‌ای

به جامعه دهقانی با طیفی از تکنولوژی سنتی - نوین از آثار تحول ساختار اجتماعی این دوره است. نظام بهره‌برداری عشایری بر اثر واگذاری اراضی تحت تصرف شیوخ به زارعین کمرنگ شده و واگذاری زمین انگیزه مالکیت را در آبادی‌های عرب‌نشین تقویت نموده و تمایلات فردگرایانه و کشت و کار انفرادی رفته رفته در آبادی‌های حوزة عمل شیوخ اهمیت یافته است با این وجود در آبادی‌های عرب‌نشین شیخ و بزرگ طایفه وجود دارد و زارعین در بعضی مناطق تحت نظر وی کار می‌کنند. لیکن تصمیم‌گیری‌ها در ظاهر مشورتی است و از حالت تحکم خارج شده است. نظام عشایری با سیطره بازار بر بخش کشاورزی و ترکیب کشت و رونق کشت تجاری، در حال فروپاشی و تبدیل به بهره‌برداری دهقانی است اما حرف‌شنوی و تبعیت از بزرگ طایفه عامل مؤثری در اعمال مدیریت تولید به شمار رفته و بستر مناسبی در جهت یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی و شکل‌دهی به تشکلهای بهره‌برداری محسوب می‌شود.

در گذشته شیخ با واگذاری زمین به زارعین نیمی از محصول گندم را دریافت می‌کرد و همه اهالی در فعالیت‌های زراعی، لایروبی انهار مشارکت می‌نمودند. مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های شیخ یا رئیس طایفه، به ترتیب اهمیت در فعالیت‌های اقتصادی، تأمین آب زراعی، تأمین امنیت روستا و برقراری امنیت درونی و بیرونی طوایف، واگذاری زمین به اعضای طایفه و مراجعه به سازمان‌های دولتی به منظور تأمین نیازهای کشاورزی، تأمین نهادهای زراعی و مدیریت تولید بوده است. عمده‌ترین فواید نظام بهره‌برداری عشیره‌ای در گذشته، به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: حفظ یکپارچگی اراضی و جلوگیری از خرد شدن اراضی مزروعی، تصمیم‌گیری بهتر، اعمال مدیریت تولید به نحو مطلوب و بالأخره افزایش میزان مشارکت‌های تولیدی بوده است و عمده‌ترین معایب نظام بهره‌برداری عشایری به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: از بین رفتن انگیزه مالکیت و تضعیف روحیه کار و کوشش، بروز اختلاف بین اعضا و تضعیف مدیریت تولید و بالأخره دشواری تقسیم کار از سایر معایب نظام بهره‌برداری عشایری به شمار می‌رود. البته امروزه، حرف‌شنوی از شیخ و بزرگ طایفه در امر بهره‌برداری از زمین با فروپاشی نظام بهره‌برداری عشیره‌ای و کمرنگ شدن نقش شیوخ و بزرگان طایفه در عرصه تولید زراعی، کمتر شده است و درصد کمی در امر بهره‌برداری از زمین از بزرگ طایفه حرف‌شنوی دارند در گذشته زمینه‌های حرف‌شنوی و تبعیت از بزرگ طایفه به ترتیب اهمیت در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، حل و فصل اختلافات طایفه‌ای، تقسیم آب و لایروبی انهار و شرکت در مراسم ازدواج و سوگواری می‌باشد. از سوی دیگر امروزه، در سایر فعالیت‌های غیر کشاورزی، مهم‌ترین زمینه‌های مشورت با ریش‌سفید و بزرگ طایفه به ترتیب اهمیت در حل و فصل

اختلافات عشایری و طایفه‌ای، مراسم ازدواج و سوگواری، عمران و آبادی روستا، مشکلات و اختلافات خانوادگی و فعالیت‌های کشاورزی و دامی، مسائل اجتماعی، آداب و رسوم و فرهنگ روستا و بالأخره امور اقتصادی و معیشتی می‌باشد. تغییرات ایجاد شده در نظام بهره‌برداری عشایری بعد از اصلاحات اراضی ۱۳۴۱ به فروپاشی نظام بهره‌برداری عشایری و طایفه‌ای در جامعه روستایی مورد بررسی سرعت بخشید. سایر تغییرات ایجاد شده در نظام بهره‌برداری عشایری در محدوده مورد بررسی به ترتیب رونق کشت و کار فردی بر اثر واگذاری زمین به زارعین و کم‌رنگ شدن نظام بهره‌برداری عشایری و واگذاری اراضی مرغوب به بزرگان طایفه و شیوخ و زمین‌های لم‌یزرع به زارعین بود.

تغییرات ایجاد شده در نظام بهره‌برداری عشایری بعد از انقلاب اسلامی، با واگذاری اراضی تحت تصرف شیوخ و بزرگان به زارعین بود که موجبات فروپاشی نظام بهره‌برداری عشایری را بیش از پیش فراهم نمود. مهم‌ترین تغییر ایجاد شده در نظام بهره‌برداری عشایری بعد از انقلاب اسلامی تقسیم اراضی تحت تصرف شیوخ و بزرگان طایفه بین زارعین و تضعیف نظام بهره‌برداری عشایری و رونق کشت و کار فردی و عدم تبعیت و حرف‌شنوی دهقانان از شیوخ در بهره‌برداری از زمین بوده است. سایر تغییرات ایجاد شده در نظام بهره‌برداری عشایری به ترتیب عبارت بوده از: واگذاری زمین به زارعین به صورت شریک‌الملکی و شکل‌گیری تعاونی‌های تولیدی مشاع، تقسیم اراضی تحت تصرف شیوخ بین زارعین و در برخی از روستاها نیز تغییر خاصی صورت نگرفته است. نظام بهره‌برداری عشایری در حال حاضر در روستا، در اغلب آبادی‌های نمونه در قلمرو آبریز کرخه، منسوخ شده است.

### ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت

در مورد ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی عرب‌ها در خوزستان مطالب و نکات فراوان و ارزشمندی وجود دارد که تعداد زیادی از آن‌ها ریشه در باورهای دینی، عشایری و قبیله‌ای آنان دارد که در طول تاریخ به صورت نسل در نسل حفظ شده است و البته این ویژگی‌ها نقش مهمی در حفظ انسجام و وحدت گروهی طوایف عرب داشته است و همچنین در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی همکاری و تعاون آنان نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. البته امروزه گرچه برخی از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی عرب‌های خوزستان متأثر از شرایط زمانی و مکانی و جریان نوسازی، تغییراتی یافته است، لیکن آگاهی و شناخت پیرامون برخی از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی عرب‌های خوزستان نقش مؤثری در انجام فعالیت‌های توسعه‌ای محلی و اتخاذ راهکارهایی برای برنامه‌ریزان و مجریان توسعه‌ای فراهم خواهد نمود، به گونه‌ای که می‌توان با

اتکا و توجه به توانایی‌ها، بستر اجتماعی و فرهنگی و ویژگی‌های محلی و بومی منطقه، بهترین تصمیم و سیاست توسعه‌ای را اتخاذ و اجرا نمود.

#### الف: ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های قومی

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره گردید برخی از ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های رفتاری قومی ریشه در اعتقادات و باورهای دینی داشته و مقداری دیگر به ویژگی‌ها و باورهای قومی عرب‌های خوزستان بر می‌گردد و برخی از مهم‌ترین ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های رفتاری قومی آنان به شرح ذیل می‌باشد:

– اخوت و برادری دینی و قبیله‌ای: در بین عشایر با تکیه بر باورهای دینی و اعتقادی اخوت و برادری اسلامی به شکل گسترده‌ای دیده می‌شود و در کنار باورهای دینی به علت انسجام اجتماعی شدیدی که در بین افراد طایفه و تیره و بیت ملاحظه می‌شود احساس تعلق و برادری قبیله‌ای در کنار باور اعتقادی نیز دیده می‌شود و «صاحب حمیه» کسی است که نسبت به افراد طایفه خود در برابر متجاوز جوانمردی دارد (پورکاظم، ۱۳۷۵: ۱۲۳).

– اطاعت و ارادت نسبت به رئیس قبیله: نوع رابطه افراد قبیله با رئیس و شیخ طایفه رابطه‌ای صمیمی و برادرانه بوده و با رابطه‌ی خوانین در نظام ارباب و رعیتی متفاوت می‌باشد و رؤسای قبایل و عشایر اکثراً با افراد خود فامیل بوده و مدافع حقوق قبیله و طایفه خود در برابر حکومت‌های محلی و سایر طوایف بوده‌اند و صلب و خون مشترک و اعتقادات دینی نقش مهمی بر نوع رابطه شیوخ با توده افراد طایفه و قبیله داشته و دارد (همان، ۱۲۵).

– احترام به شیاب و سادات: در میان اعراب، ریش‌سفیدان و سادات از احترام خاصی برخوردار هستند و به عنوان افرادی مجرب نشاط و فعالیت خاصی در جامعه دارند و در خواستگاری، حل اختلافات، مرگ و میر، برگزاری رسم فصل، حکمیت، میهمانی‌ها و حل اختلافات ناشی از مسائل زناشویی، زمین، درگیری‌های قبیله‌ای و موارد مشابه آن نقش ایفا می‌کنند.

#### ب: آداب و رسوم اجتماعی

از آن‌جا که در بین عرب‌های خوزستان همانند سایر فرهنگ‌ها و اجتماعات انواع آداب و رسوم و باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و... وجود دارد در این‌جا به برخی از آداب و رسوم که به نوعی جنبه مشارکتی و همیاری داشته و توانایی آن‌ها، قابل بررسی و توجه در سامان‌دهی انواع فعالیت‌های توسعه‌ای محلی و منطقه‌ای است اشاره، می‌شود تا از این طریق به توان امکانات

بالمقوه فرهنگی و اجتماعی را برای انجام فعالیت‌های توسعه‌ای در منطقه به شکل بهتری شناسایی نمود.

● تعاون و همیاری در انجام مراسم عزاداری، معمولاً پیش از انجام مراسم عزاداری افرادی تعیین می‌شوند و مسئولیت‌های آنان مشخص می‌شود (مانند: توزیع چای، قهوه و...) تا کار با برنامه صورت گیرد افراد قبایل دیگر، گروه گروه به محل برگزاری مراسم عزاداری مراجعه کرده کمک‌های مالی خویش را به فرزند و یا برادر متوفی تحویل می‌نمایند، تا ضمن این‌که در مراسم عزاداری شرکت می‌نمایند، در تأمین هزینه‌ها هم مشارکت کرده باشند. برخی از طایفه‌ها، گروهی از ریش‌سفیدان و افراد برجسته، خویش را موظف نموده‌اند تا در کلیه مراسم مهم عزاداری در سرتاسر خوزستان شرکت نمایند. این افراد ضمن این‌که خود روزه‌های مناسب در اختیار دارند، پول لازم از صندوق‌ها گرفته، به نام قوم، طایفه و یا دودمان هر خاندان خویش در مراسم عزاداری دیگر طایفه‌ها شرکت می‌کنند و همدردی لازم را به عمل آورده و کمک‌های خویش را به خانواده عزادار تقدیم می‌کنند. معمولاً پس از مراسم عزاداری افراد قبیله و خاندان‌های نزدیک مخارج فاتحه و کمک‌های رسیده را می‌شمارند و آنچه از مخارج باقی می‌ماند، بین خود تقسیم می‌کنند. البته هزینه‌های بعد از مراسم رسمی عزاداری به عهده خود خانواده درجه یک متوفی می‌باشد. هزینه‌های رسمی مراسم عزاداری بسیار سنگین بوده و در برخی از موارد به دو میلیون تومان نیز رسیده است.

● فصل، معانی زیادی دارد از جمله «فصل الخصومات» یعنی صدور حکم در زمینه پایان دادن به دشمنی‌ها که معمولاً بین دو قبیله و یا طایفه صورت می‌گرفته است. از آن‌جا که در فصل روابط قدرت و اقتدار و نوع تعاملات بین قبایل و طوایف در سطح اعضای قبایل و طوایف براساس موقعیت‌های افراد نکته مهمی به حساب می‌آید و از طرف دیگر، این نسبت به عنوان یک سنت کهن ریشه در گذشته‌های دور در بین قبایل و طوایف عرب دارد و تا هم‌اکنون نیز در قالب و صورت‌های جدید، در بین آنان ملاحظه می‌شود، لذا سعی می‌شود به این پدیده در ابعاد وسیع‌تری پرداخته شود. فصل، مهم‌ترین سنت رفع اختلاف و عداوت در بین عشایر عرب می‌باشد و در مسائل مربوط به قتل، جرح، هتک ناموس، نقص عضو، دزدی اموال و احشام، شهادت دروغ، مزاحمت و تجاوز به نوامیس و نزاع‌های دسته‌جمعی و موارد مشابه دیگر به کار برده می‌شود. وقتی جرمی از نوعی که در بالا گفته شد و یا موارد مشابه صورت می‌گیرد بستگان یا افراد قبیله قاتل یا مجرم بلافاصله گرد هم جمع می‌شوند تا چگونگی جلب رضایت قبیله مقتول یا مورد تجاوز را بررسی و تصمیماتی اتخاذ کنند، گاهی شخص متجاوز را مورد توبیخ قرار می‌دهند و زمانی که تجاوز باعث ننگ نام قبیله گردد خاطی یا متجاوز را از خود طرد

می‌کنند. با این وجود، نخستین گام، گرفتن «عطوه» یا «مهلت» صلح و آشتی است و افراد قبیله قاتل یا متجاوز طلب مهلت می‌کنند و افراد قبیله قاتل جلسه‌ای فوری تشکیل می‌دهند و ریش سفیدان قبیله با ریش سفیدان قبیله مقتول به مذاکره می‌پردازند تا موافقت قبیله مقتول را در دادن عطوه جلب کنند و گاهی پیش می‌آید که افراد قبیله مقتول حاضر به دادن عطوه نیستند، پس گروه یا گروه‌های دیگری اعزام می‌شوند تا رضایت قبیله مقتول را در این رابطه به دست آورند. عطوه معمولاً به مدت یک ماه، دو ماه و یا حتی بیشتر و یکسال گرفته می‌شود و فایده عطوه این است که در مهلت داده شده هیچ‌گونه درگیری و یا تجاوزی صورت نمی‌گیرد بنابراین قبیله قاتل یا متجاوز، فرصت را غنیمت می‌شمرد، تا امکان بررسی مشکل از طریق مسالمت‌آمیز به عمل آید. پس از گرفتن عطوه و گذشت مدت زمانی از تاریخ قتل یا تجاوز، افراد قبیله قاتل یا متجاوز، گروه‌هایی را نزد افراد قبیله مقتول اعزام می‌کنند و با ریش سفیدان و سران قبیله مقتول به گفت‌وگو می‌پردازند، سادات و روحانیون نیز معمولاً نقش مؤثری در برقراری آشتی دارند.

● عونه یا تعاون در انجام کار، عَوْن به معنی مساعدت و یاری می‌باشد. «عونه» در اصطلاح روستاییان قبایل عرب خوزستان به‌مثابه مؤنث عون می‌باشد و منظور از آن تعاون و همیاری عشایر در انجام کارهایی چون درو کردن مزرعه، کندن نهر برای رساندن آب به مزارع و یا بنای خانه‌ای برای دوستان و همسایگان است. بنابراین مهم‌ترین عونه‌ها عبارتند از: شخم مزرعه، آبیاری، درو، جمع‌آوری محصول، ساختن خانه، پشم‌چینی گوسفندان، عبور دادن دام‌ها توسط قایق از رودخانه و نظایر آن می‌باشد (افشار، ۱۳۷۳).

● صندوق طایفه، هر طایفه صندوق مخصوص به خود را داراست که توسط ریش‌سفیدان هر بیت مبالغ جمع‌آوری می‌شود و در محل خود هزینه می‌گردد. همان‌گونه که در قسمت‌های قبلی نیز اشاره شد در این جا نیز واحد اصلی و عملیاتی را «بیت» تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که هر بیت اسامی افراد بالای ۱۲ سال (در بیوت مربوط به طایفه آل بوجلال در سوسنگرد بدین‌گونه بود) ثبت می‌گردد به گونه‌ای که شیخ همه اسامی اعضا صندوق را دارد و به صورت دقیق تمام مبالغ پرداختی در برابر اسامی ثبت و ضبط می‌شود و گاهی ممکن است دو الی سه بار در سال نیز بسته به نیاز از اعضا درخواست پرداخت مبلغی شود و مبالغ مذکور یا در بانک و یا توسط شیخ جمع‌آوری می‌شود و در فصل نزاع‌ها و یا خرج مراسم عزاداری و یا موارد دیگر مانند هزینه ناشی از خسارات اتومبیل به افراد، خرج می‌شود نکته جالب در این بین این است که اتومبیل‌هایی که بیمه نباشند، صندوق تعهدی در برابر خسارات جانی و مالی ناشی از آن در برابر طوایف دیگر ندارد.

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره گردید در سطح «بیت» در بین عشایر عرب خوزستان هر یک از

ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های قومی پیش گفته به همراه آداب و رسوم اجتماعی، نقش بسیار مهمی در انسجام و همبستگی قومی در میان عشایر عرب خوزستان بازی می‌نماید به گونه‌ای که شعاع اعتماد در محدوده بیت باعث گردیده که انواع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در منطقه در قالب این انسجام فرهنگی قوی موجود در بیت، شکل بگیرد (ازکیا و فیروزآبادی، ۲۰۰۶). ضمن این‌که، براساس عناصر فوق‌الذکر در بین عشایر عرب و مخصوصاً در کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی بیت از ریشه فرهنگی، ارزشی، آداب و رسوم و مناسکی بسیار غنی و پایداری برخوردار بوده و فرصت قابل استفاده‌ای را نیز برای برنامه‌ریزان و فعالان توسعه‌ای فراهم می‌آورد.

### نتیجه‌گیری

در بین عشایر عرب خوزستان کوچک‌ترین واحد اجتماعی «خانواده» و کوچک‌ترین تشکل ایلی «بیت» نام دارد که ۱۲ تا ۲۰ خانوار و در برخی از موارد ۵۰ خانوار را در خود جای می‌دهد و این تشکل امروزه نیز دارای کارکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. نوع رابطه اعضای قبیله با رئیس طایفه صمیمانه و برادرانه بوده و با رابطه خوانین در نظام ارباب-رعیتی متفاوت است و رؤسای قبایل و عشایر با اعضای طایفه و قبیله نسبت خویشاوندی داشته و مدافع حقوق طایفه و قبیله بوده‌اند. از سوی دیگر، در بین عشایر ایران به‌ویژه عشایر عرب، صور مختلف همیاری و مشارکت در قالب مراسم و آداب و رسوم، باورها و رفتارهای قومی دیده می‌شود که از جمله آن‌ها ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های قومی مانند: اخوت و برادری دینی و قبیله‌ای، اطاعت و ارادت نسبت به رئیس قبیله، احترام به سادات، احترام به شیاب یا ریش‌سفیدان، حفظ دخیل و از طرف دیگر، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند: تعاون و همیاری در انجام مراسم عزاداری، فصل، عونه یا تعاون در انجام کار، صندوق طایفه و جرش است. مهم‌ترین سنت رفع اختلاف و دشمنی بین عشایر عرب فصل است و در حل مسائل مختلف اجتماعی بین دو طایفه به کار برده می‌شود. بدین ترتیب، با شناخت ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی عرب‌ها در خوزستان می‌توان رفتارهای مشارکتی قومی را به‌ویژه در آبادی‌های عرب‌نشین حوزه آبریز کرخه تقویت کرده و بستر مناسب را جهت سامان‌دهی انواع مشارکت‌های محلی توسعه‌ای از قبیل اصلاح و بهبود نظام‌های بهره‌برداری، حرکت در جهت راه‌اندازی تشکل‌های تولیدی، تعاونی‌ها و سایر فعالیت‌های توسعه‌ای و عمرانی را سامان داد. انواع تعاون، همیاری و تشکل‌های طایفه‌ای و عشایری که در این جامعه وجود دارد نشانی بر همیاری‌ها و مشارکت‌های خودجوش، پتانسیل‌های موجود در همبستگی‌های طایفه‌ای و

عشایری است و می‌توان آن را به سمت اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای محلی مانند: کشاورزی، نظام‌های بهره‌برداری، تشکل‌های تولیدی و... جهت داد. با توجه به ویژگی‌های یاد شده می‌توان به موارد زیر برای شکل‌دهی به تشکل‌های تولیدی در قالب بیت، توجه کرد.

● بازشناسی واحدهای مشارکتی سنتی و بهره‌گیری از دانش بومی و تشریح فعالیت‌های این واحدها و بازتولید آن‌ها بر مبنای شیوه‌های جدید مدیریتی. به عبارت دیگر، این بازشناسی در حوزه مورد بررسی با توجه به این‌که محمل‌ها و بسترهای مربوط به همیاری و تعاون در قالب نظام طایفه‌ای و عشایری به‌خصوص در سطح بیوت از سابقه قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و اهمیت قابل توجهی دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی درون گروهی، که بیشتر به صورت سرمایه درون طایفه‌ای می‌باشد. به میزان قابل توجهی وجود دارد و مؤید آن نیز وجود ویژگی‌های خاص‌گرایانه و طایفه‌ای شدید در میان روستاییان است و نیز وجود نزاع‌های بین طایفه‌ای که برای تجانس و وفاق درونی طایفه‌ها، دارای کارکرد مثبت است. در نتیجه، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، اجتماعی و طایفه‌ای شکل‌گیری و تشکیلات واحدهای مشارکتی گسترده و فراتر از واحدهای طایفه‌ای در مراحل بعدی میسر است. بنابراین، در این مرحله بازآفرینی واحدهای مشارکتی جدید با استفاده از محمل‌های موجود که ریشه در بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد بررسی دارد، امکان‌پذیر است.

● فراهم‌سازی زمینه‌های مشارکتی لازم از طریق گفت‌وگو با ریش‌سفیدان و بزرگان طایفه و مشارکت دادن آن‌ها در تشکل‌های واحدهای مشارکتی جدید.

● ایجاد اصلاح در فرآیندهای جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری حوزه مورد مطالعه که در این زمینه ساز و کارهای آموزشی و ترویجی، بیشترین اثرگذاری را دارند، می‌توانند زمینه را برای گسترش ویژگی‌های شخصیتی مناسب و سازگار با فرآیندهای مشارکتی و توسعه‌ای فراهم نمایند.

● شکل‌گیری واحدهای مشارکتی باید مبتنی بر بهره‌گیری از منابع موجود در سطح روستا شامل منابع طبیعی (زمین، آب) و سرمایه مالی، منابع انسانی (جمعیت جوان و آماده به کار) و سرمایه انسانی (نیروهای تحصیل کرده منطقه) و سرمایه اجتماعی (روابط درون طایفه‌ای و جمعی) باشد.

● با توجه به آنچه گفته شد، در این مرحله طراحی و راه‌اندازی تشکل‌ها و فعالیت‌های توسعه‌ای و تولیدی نوین نیز باید به صورت مرحله‌ای انجام گیرد و با توجه به ساختار عشایری منطقه و نفوذ رهبران محلی در بین عشایر در مناطق عرب‌نشین، باید از عناصر



فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر اعتماد، مشارکت و همیاری موجود به نحو مطلوب استفاده نمود و در گام نخست به اصلاح نظام بهره‌برداری مبتنی بر بیت مبادرت نمود و با فراهم‌سازی موجبات تعویض قطعات زمین بین اعضای بیت بستر مناسب را جهت یکپارچه‌سازی اراضی در سطح نسق و سپس در سطح بیت مهیا نمود تا در گام بعدی بتوان به سمت راه‌اندازی تشکلهای تولیدی نوین حرکت کرد.

● در مرحله بعد باید در خصوص ایجاد ارتباط و به هم پیوستن بیوتات همجوار و سپس تجمیع تشکلهای مبتنی بر بیت به صورت فرابیتی تا سطح طایفه و ایجاد اتحادیه از تشکلهای تولیدی طایفه‌ای، در سطح شهرستان بسترسازی نمود. تجمیع و به هم پیوستن بیوتات به منظور ایجاد تشکل مستلزم بسترسازی آموزشی-ترویجی مناسب بوده و در این خصوص تشکیل جلسات گفت و شنود با رهبران محلی و رؤسای بیوتات به منظور تجمیع بیوت و راه‌اندازی تشکلهای تولیدی فراتر از بیت، امری ضروری به نظر می‌رسد. در این فرایند بهره‌گیری مطلوب از ریشه‌های اعتماد، مشارکت و هنجارهای همیاری و کمک متقابل در بین اعضای بیت و بیوت در طایفه‌ها، می‌تواند در شکل‌گیری هرگونه فعالیت توسعه‌ای محلی برای نمونه، در بخش کشاورزی مانند: طرح‌های تسطیح، شبکه‌بندی، ایجاد کانال‌های درجه ۳ و زهکشی، یکپارچه‌سازی اراضی، حل مسائل و مشکلات مربوط به زمین میان افراد طوایف و بیت، ایجاد برخی از تشکلهای آبیاری (گروه‌های هم آب) و یا کشاورزی و سایر انواع فعالیت‌های توسعه‌ای محلی، اقدام نمود.

## منابع

- ازکیا. مصطفی، ۱۳۵۲. جامعه‌شناسی بینه‌بندی در فردیس، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- ازکیا. مصطفی، نیک‌خلق. علی‌اکبر، ۱۳۵۲. جامعه‌شناسی بینه‌بندی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی پلی‌کپی.
- اشرف. احمد، ۱۳۶۱. دهقانان، زمین و انقلاب مجموعه کتاب آگاه، مسائل ارضی و دهقانی، تهران: آگاه ۱۳۶۱.
- افشار سیستمی. ایرج، ۱۳۷۳. خوزستان و تمدن دیرینه آن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بنت. فرانسیسکو، ۱۳۴۷. «نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس» نامه علوم اجتماعی، شماره ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- پورکاظم. حاج کاظم، ۱۳۷۵. جامعه‌شناسی قبایل عرب خوزستان، تهران: نشر آمه.

- تقوی. نعمت‌الله، ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- خسروی. خسرو، ۱۳۴۸. «آبیاری و جامعهٔ روستایی ایران»، *نامهٔ علوم اجتماعی*، شمارهٔ ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- خسروی. خسرو، ۱۳۵۸. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*، تهران: پیام.
- خسروی. خسرو، ۱۳۷۲. *جامعه‌شناسی ده در ایران*، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- صفی‌نژاد. جواد، ۱۳۶۸. *بُنه، نظام‌های زراعی سنتی در ایران*، تهران: مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر.
- طالب. مهدی، ۱۳۷۶. *مدیریت روستایی در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- غفاری. غلامرضا، ۱۳۸۰. «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان»، رسالهٔ دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فرهادی. مرتضی، ۱۳۷۳. *فرهنگ یاری‌گری در ایران*، جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی.
- قیم. عبدالنجا، ۱۳۸۰. «نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و مردم عرب خوزستان»، *فصلنامهٔ مطالعات ملی*، سال دوم، شمارهٔ ۷.
- کاتوزیان. محمدعلی، ۱۳۸۴. *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمهٔ محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- لمبتون. ا. اس. ک، ۱۳۶۲. *مالک و زارع در ایران*، ترجمهٔ منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- لهسانی‌زاده. عبدالعلی، ۱۳۶۹. *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- نیک‌خلق. علی‌اکبر، ۱۳۷۹. *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: کلمه، چاپ دوم.
- وثوقی. منصور، ۱۳۶۶. *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: کیهان.
- وثوقی. منصور، ۱۳۷۷. *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: انتشارات کیهان.
- ودیدی. کاظم، ۱۳۴۸. *مقدمه‌ای بر روستاشناسی ایران*، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات تعاونی.
- Azkiā. Mostafa and Firouzabadi. Ahmad, 2006, "The Role of Social Capital in Creation of Rural Production Associations: A Case Study of Karkheh Dam Watershed Basin", *Critique, Critical Middle Eastern Studies*, Vol. 15, Number 3, pp. 295-315.
- Escobar, A., 1995, "Encountering Development-the Making and Unmaking of the Third World". *Princeton Studies in Culture and History*, New Jersey: Princeton University Press.
- Glickman. Norman J. and Lisa J. Servon, 1998, "More Than Bricks and Sticks: Five Components of Community Development Corporation Capacity", *Housing Policy Debate*, Volume 9, Issue 3 497.
- Hobbs. Daryl, 1995, "Human capital: The issues, enablers, and blocks in institutional change. Increasing Understanding of Public Problems and Policies". National Public Policy Education Conference, *ERIC Document Reproduction Service* No. ED 386337.
- Mernissi. Fatema, 1999, *Social Capital In Action: The Case of the Ait Iktel Village*

- Association*, Cited in <http://www.worldbank.org/mdf/mdf1/socialcp.htm>
- Sen. Amartya, 1989, "Food and Freedom", *World Development*, Vol. 17, No. 6: 769-781.
- Unesco, 1982, "Mexico City Declaration on Cultural Policies", World Conference on Cultural Policies Mexico City, 26 July - 6 August 1982.
- United Nations, 1991, *World Decade for Cultural Development, Operative*. New York: United Nations Publications.
- United Nations, 1995, "World Summit for Social Development, Copenhagen", cited in <http://www.un.org/esa/socdev/wssd/>
- United Nations, 2000, "Millennium Development Goals", cited in <http://www.unicef.org/publication/farsi/hezareh.htm> or World Bank, 2004, *Social Development in World Bank Operations: Results and Way Forward*.

